

فصلنامه علمی - تخصصی فرهنگ پژوهش

شماره ۲۳، پاییز ۱۳۹۴، ویژه فلسفه و کلام

سنت‌های الهی در قرآن، منطق استخراج، حوزه‌های تاثیر و ویژگی‌ها

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۵ تاریخ تأیید: ۹۵/۳/۲۷

تورج روحانی*

چکیده

عالمی که در آن زندگی می‌کنیم در تمامی ساحت‌ها دارای قوانین و اصولی است، همانطور که در عرصه علوم تجربی قوانینی بر بعد مادی اشیاء حاکم است در عرصه مادی و معنوی زندگی بشر قوانینی وجود دارند. این قوانین که در عرف دینی به آن سنت گفته می‌شود بر تمامی زندگی بشر سایه انداخته است. بدیهی است شناخت این قوانین که سرنوشت دنیوی و اخروی بشر در گرو آن قرار دارد بسیار ضروری است. در این مقاله کوشش شده است ابتدا با تحلیل دقیق مفهوم سنت و هدف کلان سنت‌های الهی منطق استخراج سنت‌ها را به دست آوریم، سپس حوزه‌های تاثیرگذاری سنت‌ها از قرآن و سطوح مختلف جریان سنن الهی را بررسی کنیم؛ در پایان به ویژگی‌های مختلف سنت‌ها پرداخته‌ایم. این مقاله با تاکید بر تفسیر شریف المیزان به روش کتابخانه‌ای تهیه شده است.

واژه‌های کلیدی: سنت الهی، ویژگی‌های سنن، منطق استخراج سنت، هدف سنت‌ها، انواع سنت‌ها.

مقدمه

عالمی که در آن زندگی می‌کنیم در تمامی ساحت‌ها دارای قوانین و اصولی است، همانطور که در عرصه علوم تجربی قوانینی بر بعد مادی اشیاء حاکم است در عرصه مادی و معنوی زندگی بشر قوانینی وجود دارند. این قوانین که در عرف دینی به آن سنت گفته می‌شود بر تمامی زندگی بشر سایه انداخته است. بدیهی است شناخت این قوانین که سرنوشت دنیوی و اخروی بشر در گرو آن قرار دارد بسیار ضروری است. از آنجایی که در این خصوص کار مستقلی به چشم نمی‌خورد برآن شدیم تا با تحلیل دقیق مفهوم سنت از قرآن و هدف کلان سنت‌های الهی با تکیه بر تفسیر شریف المیزان منطق استخراج سنت‌ها را به دست آوریم. پس از آن برخی حوزه‌های مختلفی را که سنت‌های الهی در آن جریان می‌یابد مانند حوزه اقتصادی، فرهنگی و نظامی را بیان کردیم، در ادامه به بررسی سطح جریان سنت‌های الهی اعم از فردی و اجتماعی پرداخته و در گام آخر به ویژگی‌های مختلف سنت‌های الهی در قرآن اشاره کردیم. هر چند این مقاله سعی داشته که به اهم مطالب این حوزه بپردازد اما پوشیده نیست این موضوع مهم کارهای بیشتری را می‌طلبد.

سنت شناسی، یک دانش فراگیر و ضروری

مفسر گران قدر معاصر آیت‌الله جوادی آملی، از سنت‌های الهی به عنوان یک دانش فراگیر نام برده و چنین گفته است:

«قرآن حکیم علوم فراوانی را به همراه آورده که بخشی از آن‌ها به طور جامع، کلی و گسترده است که از آن‌ها به جهان بینی یاد می‌شود و در حکمت و کلام از آن‌ها گفت‌وگو می‌شود، و بخشی از آن‌ها مقطعی و موضوعی و موضعی است که از آن به علم جزئی یاد می‌شود؛ مانند اخلاق، فقه، اصول فقه، حقوق و نظیر زمین شناسی، ستاره‌شناسی، دریا

شناسی و معدن شناسی. مقداری از این علوم که با موضوع، مسئله و مبدأ خاص، نظیر فقه و اصول فقه، اخلاق و مبادی آن، حقوق و منابع آن و... ارائه می‌شوند، در حوزه‌ها و دانشگاه‌ها مورد بحث واقع شده و می‌شوند؛ لیکن علم سنت الهی که در چهره‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و... ظهور می‌یابد و کارآمد است، به عنوان یک دانش مطرح نشده است. البته تاریخ سکولار و گسسته از مبدأ فاعلی و غایی مطرح می‌شود؛ لیکن فطانت بترأ که پیگیر تاریخ ابتر است ثمره عبرت را به همراه ندارد، بلکه صرف اطلاع و آگاهی از گذشته است، که چنین دانش منقطع الاول و الاخری جزو علمی است که لا ینفع من علمه و لا یضر من جهله، و از آن جهت که به جبر تاریخ مشوب است بدون زبان نخواهد بود». (آیت الله عبدالله جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱۵، ص ۵۸۵)

ضرورت شناخت سنت‌های الهی از آن روست که سنت‌های مشروط (در یک تقسیم‌بندی سنت‌ها به مشروط مانند ان تنصروالله ینصرکم و سنت‌های فعلی مانند زینا السماء الدنيا بمصابیح تقسیم می‌شود توضیح بیشتر اقسام سنت‌ها در ادامه خواهد آمد) الهی به طور کلی در دو دسته جای می‌گیرند:

سنت‌هایی که جریان آن‌ها باعث هدایت، موفقیت، کامیابی، برکت و پیروزی و نظایر آن است که در نتیجه به پیشرفت واقعی بشریت می‌انجامد. مانند سنت نصر، سنت برکت و... شناخت این دسته از سنت‌ها و شرایط جریان آن‌ها، برای استمداد از آن‌ها در راه کمال ضروری است و بدون چنین شناختی و در نتیجه فراهم آمدن شرایط، این سنت‌ها جاری نشده و پیشرفتی به دنبال نخواهد داشت.

سنت‌های الهی که تحقق آن‌ها منجر به گمراهی، نابودی تدریجی (مانند سنت امحاق)، بی‌نتیجه شدن فعالیت‌ها (نظیر سنت احباط) و حرکت جامعه در مسیر سقوط و گمراهی (مثل سنت اضلال) و... است.

شناخت این سنت‌ها برای پرهیز از فرو افتادن به چنین پرتگاه‌هایی لازم است. چون نقشه راه دینی علاوه بر مشخص کردن راه پیشرفت خدامحور (سنت‌های دسته اول)، موظف است پرتگاه‌ها و نقاط آسیب خیز و خطرناک را نیز روشن کند تا مسیر کمال بشر بدون خطر و آسیب پیموده شود.

تعریف سنت الهی

«سنت» در لغت به معنای راه و روش، خوی، عادت، طبیعت و سرشت آمده و در ترکیب‌های مختلف معانی دیگری نیز از آن اراده شده است. (ر. ک: سید حمید طبیبان، فرهنگ لاروس (فرهنگ عربی به فارسی)، ج ۲، ص ۱۲۲۱)

راغب اصفهانی در معنای سنت می‌نویسد: سنت پیامبر؛ یعنی راه و روشی که او برگزیده است؛ و سنت خدای تعالی به راه و روش حکمت او و راه و روش طاعت او اطلاق می‌شود. (الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن، ص ۲۵۱ (ماده سنن))

ابن منظور نیز سنت را این‌گونه معنا می‌کند:

سنت به معنای صورت و آن قسمت از چهره است که به تو رو می‌کند... سنت خدا؛ یعنی احکام و امر و نهی او... و سنت به معنای سیره و روش [نیز آمده است] خواه پسندیده باشد و خواه ناپسند... در حدیث کلمه سنت و مشتقات آن فراوان تکرار شده و معنای اصلی آن راه و روش و سیره است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۶، ص ۳۹۸ - ۳۹۹ (ماده سنن))

فیومی نیز سنت را به راه و روش و سیره معنا کرده است (احمد بن محمد بن علی الفیومی، المصباح المنیر، ج ۱، ص ۲۹۲). بیشتر مفسران نیز همین معنا را برای سنت برگزیده‌اند. (ر. ک: ابوعلی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۴، ص ۸۸۳ (ذیل آیه ۳۸ سوره انفال))

علامه طباطبایی(ره) سنت را این چنین معنا می‌کند:

کلمه «سنت» به معنای طریقه معمول و رایج است که به طبع خود غالباً یا دائماً جاری باشد. (سید محمد باقر موسوی همدانی، تفسیر المیزان، ج ۱۶، ص ۵۱۱)

به باور شهید آیت‌الله مطهری(ره): «آنچه در اصطلاح فلسفه به نام (نظام جهان) و قانون اسباب) خوانده می‌شود، در زبان دین، (سنت الهی) نامیده می‌شود». (آیت الله شهید مرتضی مطهری، عدل الهی، ص ۱۳۹)

و آیت الله مصباح یزدی معتقد است: سنت الهی ضابطه انجام فعل الهی است و یا روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن تدبیر و اداره می‌کند. (آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۰۹)

برخی دیگر از نویسندگان نیز در معنای سنت خداوند به این که سنت‌ها قوانین و ضوابط افعال خداوند هستند، اشاره کرده‌اند. (محمد قلجی، معجم لغة الفقهاء، ص ۲۵۰)

از کلام شهید آیت الله صدر(ره) این چنین برداشت می‌شود که سنت‌های الهی عبارت است از ضوابطی که خداوند متعال آن‌ها را برای تنظیم پدیده‌های هستی وضع کرده است. (آیت الله شهید سید محمد باقر الصدر، المدرسة القرآنية، ص ۵۰)

محقق معاصر مرحوم مصطفوی(ره) می‌گوید:

«سنة الله تعالى: جریان من ظهور صفاته على ضوابط مخصوصة، و هذه الضوابط تختلف باختلاف كل صفة و بمقتضى خصوصياتها؛ «سنة الله في الذين خلوا من قبل و كان أمر الله قَدراً مَقْدُوراً» يراد إجراء أمره فيهم مع ضوابط مخصوصة و تقديرات مقدرة، و يدل على قيد الضوابط: جملة - «وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدْرًا مَقْدُورًا...». (حسن المصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، ج ۵، ص ۲۳۷؛ «سنت خداوند جریان ظهور صفات الهی بر طبق ضوابط خاصی است که این ضوابط مختلف است و اختلاف ضوابط، ناشی از اختلاف هر

صفت و [در نتیجه] اختلاف مقتضای آن صفت است. و فقره قدرها مقدورا دلالت بر ضابطه مند بودن اجرای این سنتها دارد»

«... ان السنه ظهورات من صفاته و اسمائه...». (حسن المصطفوی، التحقیق فی

کلمات القرآن الکریم، ج ۵، ص ۲۳۸)

«... سنّة الله مرجعها الي ظهور صفات الفعل كالحياة و الاماتة و الرحمة و الغضب و

الرازقية و القاهرية و اللطف و الکرّم». (حسن المصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن

الکریم، ج ۵، ص ۲۳۸)

بر طبق تفسیر این محقق که نظریه برگزیده این مقاله در تعریف سنتهای الهی است، سنتهای الهی عبارت است از جریان ظهور و تجلی اسماء و صفات فعل الهی در عالم که با ضوابط و حدود و شروط خاصی صورت می گیرد.

البته برگزیدگی این تعریف به معنای نادرست بودن دیگر تفاسیر ارائه شده از جانب اندیشمندان نیست؛ چرا که اولاً: برخی از تعاریف پیش گفته موافق این تعریف هستند؛ مانند تعریف آیت الله مصباح و برخی دیگر که سنت را ضابطه فعل خداوند می دانند. (چون هر یک از افعال خداوند نتیجه ظهور و بروز یکی از اسماء و صفات اوست. مثلاً رزق دادن ظهور اسم رازق و میراندن ظهور اسم ممیت است و...).

و ثانیاً: تعریفهای متفاوت سنتها هر یک از زاویه‌ای به سنت نگریسته‌اند؛ برخی رویکرد غایت انگارانه داشته و هدف سنتها را در تفسیر آن وارد کرده‌اند. (مانند تعریف شهید صدر) برخی دیگر از اثر سنتها که ایجاد تدبیر و مدیریت ربانی عالم است برای تعریف آن سود جسته‌اند (مانند تعریف دوم آیت الله مصباح و شهید مطهری) و برخی مانند علامه سنت را به کمک ویژگی‌های تعریف می کنند.

تعریف برگزیده این تحقیق نظر به ماهیت تکوینی سنت‌های الهی دارد و این که حقیقت سنت چیست؟ بر مبنای تعریف برگزیده، سنت‌ها عبارتند از جریان منضبط اسماء و صفات الهی در عالم می‌باشد.

این تعریف حداقل این جهت که قانون تعریف این است که تعریف به شناخت ماهیت و حقیقت پدیده یا فرآیند بینجامد و تعریف به آثار و خصوصیات و یا غایات یک پدیده، خارج از ماهیت آن است بر دیگر تعاریف اولویت دارد.

قرآن هرگاه فعلی را در آیه‌ای به خدا نسبت می‌دهد، در پایان آیه اسمی از اسماء الله را ذکر می‌کند که متناسب با آن فعل باشد از قبیل: رحیم، ودود، غفور، عزیز، قهار، منتقم و... یعنی هر کدام از آن افعال با یکی از این اسماء تناسب دارد و اسماء خاص و جزئی پدیده‌ها را با اسمای عام و کلی تعلیل می‌نماید. چنانکه در سوره رعد یا حدید مشاهده می‌کنیم خلقت و قیومیت و افاضه و یا مراحل عود بشر مثل مرگ و برزخ و حشر و... را همه با اسمائی که در مفهوم با وقایع ذکر شده مناسب باشند ذکر می‌نماید. (علامه طباطبایی (ره)، الرسائل التوحیدیه، ص ۱۰۴) بنا براین، بینش مبتنی بر اسماء الهی در فعل و انفعالات عالم به گونه عام و در سنت‌های الهی به گونه خاص، بینش خاص قرآنی است.

مسئله اسماء و صفات الهی، پربسامدترین موضوع قرآنی است که در بیشتر آیات به آن‌ها استناد شده از جمله آیات مربوط به سنت‌های الهی. طرح این موضوع به این گستردگی نشان می‌دهد که از منظر قرآن کریم، تمام تحولات انسان و جامعه و جهان، بر محوریت اسماء الهی صورت می‌گیرد. خداوند متعال به وسیله اسماء خود در عالم تجلی نموده و آن را تدبیر می‌کند.

نظر به اهمیت دانش شناخت اسماء الهی که گاهی از آن به عنوان «علم الاسماء» یاد می‌شود، جمعی از اندیشمندان مانند علامه طباطبایی (ره) بر این عقیده‌اند که شناخت اسماء، شناخت جهان است (ر. ک: حکیم ملا هادی سبزواری، شرح الاسماء الحسنی) و

این دلیلی ندارد جز این که همه عالم را اسماء الهی احاطه کرده («... وباسمائک التی ملات ارکان کل شیء»، «و تو را به اسمائت می خوانم که ارکان هر چیزی را پر کرده است». دعای کمیل) و اصل وجود جهان و تغییرات آن هر یک به تناسب خود، متأثر از یک یا چند اسم از اسماء تکوینی الهی است.

سنت با لفظ صریح، در یازده سوره، شانزده بار مطرح شده است. در تعبیر قرآنی لفظ سنت گاهی با اضافه به خداوند آمده و در مواردی با اضافه به اقوام مختلف بشر. نسبت دادن سنت به خداوند متعال، از باب فاعلیت است؛ به این معنی که خداوند متعال فاعل و جریان دهنده این سنت‌ها در جهان هستی است: مانند آیه شریفه «سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ» و نسبت دادن آن به بشر از باب قابلیت است؛ یعنی بشر موضوع این سنت‌هاست و سنت‌های الهی نسبت به بشر جاری می‌شود؛ مانند آیه «فَهَلْ يُنظَرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ».

سنت‌های الهی بدان معنا نیست که فعل مستقیماً از خدا صادر شود، بلکه ممکن است اسباب و وسایل طبیعی، عادی، فوق طبیعی و غیبی در کار باشد، در عین حال به خدا نسبت داده شود، (آیت الله محمدتقی مصباح یزدی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن، ص ۴۱۰) چون بر طبق بینش توحیدی اسلام و قرآن، همه عالم فرمان بردار و سپاهیان حضرت حق هستند: «وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره فتح (۴۸) آیه ۷) و لذا کلیدهای تمام آسمان و زمین به دست اوست: «لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (سوره زمر (۳۹) آیه ۶۳) و هر یک از تحولات عالم، معلول جریان اسمی از اسماء الهی است.

هدف کلان سنت‌های الهی

همان طور که گفتیم، سنت‌های الهی به مانند یک سامانه یا نظام عمل می‌کنند. ویژگی مهم هر سامانه یا سیستمی این است که هدف مشخصی را دنبال می‌کند.

سنت‌های الهی، مجرای جریان اراده، تدبیر و حکمت خداوند در هستی هستند. (شهید آیت الله صدر، *المدرسه القرآنیه*، ص ۷۱) خداوند متعال «رب» عالم است و عالم و عالمیان («فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»، سوره جاثیه (۴۵) آیه ۳۶) را در راستای صراط مستقیم، ربوبیت می‌کند و پرورش می‌دهد («ربوبیت سوق دادن چیزی به سوی کمال آن است و رب کسی است که شان او سوق دادن اشیاء به سوی کمال و تربیت آنها باشد و این صفت به صورت ثابت در او باشد.» آیت الله عبدالله جوادی آملی، *تفسیر تسنیم*، ج ۱، ص ۳۳۱) بنا بر این نظام سنت‌های الهی، اراده خداوند را محقق می‌کند که عبارت است از تحقق عبودیت در عالم. تحقق عبودیت از مسیر پیروزی حق بر باطل و بسیاری سنت‌های دیگر می‌گذرد. عبودیت، غایتی است که خلقت بشر به آن منتهی خواهد شد: «مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»، نیز هدف خلقت آسمان‌ها و زمین حصول معرفت برای انسان نسبت به صفات خداست:

«اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا». (سوره طلاق (۶۵) آیه ۱۲؛ خداوند است که آسمان‌های هفت گانه و مانند آنها زمین را آفرید در حالی که امر الهی به تدریج در میان آنها نازل می‌شود تا بدانید که خداوند بر هر چیزی توانا و به هر چیزی داناست).

که البته چنین معرفتی به پرستش همه جانبه خداوند و جریان عبودیت در زندگی بشر منجر می‌شود. هدف کلی نظام سنت‌ها، رسیدن بشریت به چنین مرتبه‌ای از کمال و تقرب است و هر یک از سنت‌ها در راستای این هدف کلی به اقتضای خود تأثیر گذارند.

منطق استخراج سنت‌ها

بحث از منطق لفظی استخراج سنت‌ها از مهم‌ترین مباحث مقدماتی ورود به پژوهش در سنت‌های الهی است. به دلیل اهمیت فراگیر آن، حاصل برخی تحقیقات صورت گرفته در منطق استخراج سنت‌های الهی از متن قرآن عرضه می‌شود. به نظر می‌آید تاکنون در این مسئله تحقیق مستقلی صورت نپذیرفته و از این جهت، بسیاری از استنادات صورت گرفته به آیات قرآن برای اثبات سنت بودن حکمی از احکام الهی، فاقد پشتوانه حجیت است.

همان طور که گفتیم تعریف برگزیده ما از سنت‌های الهی عبارت است از این که سنت‌های الهی جریان منضبط اسماء الهی در عالم هستند. بنا بر این سنت فعل خداست که تحت انضباط خاصی محقق می‌شود. این انضباط همان گونه که بیان شد، خود ناشی از انضباط نظام اسماء الهی است. منظور از استمرار سنت‌های الهی نیز این است که در هر مقطعی که موضوع سنت خاصی (یعنی همه شرایط آن) محقق گردد، آن سنت جاری می‌شود و تحویل و تبدیلی هم در آن راه ندارد. بنا بر این منظور از استمرار، جریان همه سنت‌ها در همه آنات و احوال نیست.

با این مقدمه باید بگوییم در برداشت از قرآن، اگر اولاً: استناد فعلی به خداوند به طریق مستقیم یا به توسط اسماء الهی (خداوند متعال، عالم را توسط اسماء خود اداره می‌کند و اساساً در تکوین عالم ما منه الوجود، خداوند است و مابه الوجود، اسماء الهی هستند و این مطلب از مسلمات معارف بوده که مورد تصریح بسیاری از اهل معرفت قرار گرفته است) روشن باشد ثانیاً: از خود دلیل یا قراین دیگری بتوان استمرار آن و مقطعی نبودن آن فعل را استنباط کرد (به همان معنایی که در تفسیر استمرار گفته آمد) این دلیل، دلالت بر سنتی از سنت‌های الهی می‌کند این دو رکن، مقوم ماهیت سنت‌های الهی هستند و بعد از مشخص شدن سنت بودن فعلی از افعال ربانی، آثار آن که عبارت است از

تبدیل و تحویل ناپذیری بر آن بار می‌شود. بنا بر این برای استناد سنتی به قرآن، نیازی نیست از دلیل اثبات‌کننده سنت‌ها، عدم تحویل و تبدیل نیز فهمیده شود؛ چون سنت عبارت است از جریان مستمر فعل الهی و عدم تحویل و تبدیل از خصوصیات آن است.

اکنون برخی از شاخص‌های لفظی استخراج سنت‌ها را با تاکید بر این که این

شاخص‌ها باید با دیگر قراین معنایی در نظر گیرد، پی می‌گیریم:

الف) استعمال فعل مضارع در استناد فعل به خداوند

فعل مضارع فعلی است که در زبان عربی بر انجام کاری در زمان حال دلالت داشته باشد. به گفته آیت الله جوادی آملی فعل مضارع وقتی درباره خداوند به کار رود، دلالت بر استمرار فعل الهی دارد. ایشان تصریح می‌کند که مضارع بودن فعل به کار رفته، دلالت بر سنت الهی می‌کند. (ر. ک: آیت الله جوادی آملی، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره)، ج ۵، ص ۱۷۸) این مطلب از کلمات علامه طباطبایی (ره) نیز استفاده می‌شود. (ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۱۲، ص ۱۴۳)

ب) صیغه مبالغه

صیغه مبالغه اسمی است که بر کثرت وقوع فعل از فاعل آن دلالت دارد.

علامه طباطبایی (ره) در ذیل آیه شریفه «فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا...» می‌فرماید: «در این جمله دعوت قوم را به اینکه استغفار کنید تعلیل کرده به اینکه: «پروردگارتان غفار است» و «غفار» که صیغه مبالغه است، معنای کثیر المغفرة را می‌دهد، و می‌فهماند علاوه بر اینکه کثیر المغفرة است، مغفرت، سنت مستمر اوست». (المیزان، ج ۲۰، ص ۴).

ج) ساختارهای کلامی و الفاظی که دلالت بر عمومیت دارند

ساختار کلامی که در آن از الفاظ عموم، در سیاق شرط و شبه شرط استفاده شده می‌تواند دلالت بر سنت بودن داشته باشد. به عنوان نمونه در آیه شریفه آمده است: «وَمَنْ يَبْدُلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» یعنی هر کس که تبدیل نعمت کند به عقاب شدید الهی دچار می‌شود. این قالب معنایی نمونه‌های زیادی در قرآن دارد. علامه طباطبایی (ره) در المیزان در ذیل آیه مزبور گفته است: این سیاق دلالت دارد بر این که حکم نام برده، سنتی است در همه ادوار. (طباطبائی سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، سال ۱۳۹۳، نرم افزار جامع التفاسیر نور، ج ۲، ص ۱۶۵)

د) الفاظی مانند «ماکان»، «لم یکن» و...

این گونه الفاظ نیز وقتی در استناد فعلی به خداوند به کار رود دلالت بر استمرار و سنت بودن دارد. (ر. ک: تفسیر المیزان، ج ۷، ص ۴۹۰)

موارد ساختارهای لفظی دلالت کننده بر سنت‌های الهی، منحصر در موارد فوق نیست اما به عنوان یک قاعده کلی و با توجه به موارد استقصاء شده فوق می‌توان گفت: هر کلمه، فعل یا سیاقی که دلالت بر استمرار تحقق فعل از خداوند داشته باشد، سنت بودن را می‌رساند.

موارد چهارگانه فوق و مشابه آن، برای استخراج سنت‌ها به طور عام، کارایی دارد، اما در سنت‌های هر حوزه و سطح خاص، باید به دنبال قراین مختص به همان حوزه یا سطح باشیم. در سنت‌های اجتماعی می‌توان موارد زیر را به عنوان قانون استنباط سنت ذکر کرد:

۱. استفاده از الفاظی که اشاره به هویت جمعی دارند

در بحث جامعه و موضوعات اجتماعی از دیدگاه قرآن به نظر می‌رسد الفاظی مانند «ارض» و «قریه» و الفاظ مشابهی که برای دلالت بر محل سکونت جوامع به کار رفته نیز بتواند چنین کارکردی داشته باشد. (مانند لفظ «امت» که در بحث سنت تزیین خواهد آمد.) مثلاً وقتی می‌فرماید: ذلک بان الله لم یکن مهلک القرى به ظلم و اهلها غافلون، که اشاره به سنت اتمام حجت دارد، خود آن قریه‌ها، موضوعیتی ندارد، بلکه اهالی آن‌ها هستند که باید قبل از عذاب، اتمام حجت شوند؛ لذا در تعبیری مانند این دو، همان کل اجتماعی مد نظر است.

۲. آیاتی که در آن به ارتباط اجتماعی اشاره شده است

بر طبق تحلیل شهید آیت الله سید محمد باقر صدر، عناصر اجتماع عبارتند از: انسان، طبیعت و ارتباطی که انسان با هم نوع خود و با طبیعت دارد. (آیت الله شهید سید محمد باقر الصدر، المدرسة القرآنیة، ص ۱۰۶) این ارتباط از منظر قرآن با افزودن بعد چهارمی به نام ارتباط با خداوند که حاکم بر دیگر ارتباطها می‌باشد و آن‌ها را به صلاح و کمال می‌رساند، تقویت می‌شود. (آیت الله شهید سید محمد باقر الصدر، المدرسة القرآنیة، ص ۱۰۸)

با این تحلیل می‌توان گفت که در آیاتی که سخن از رابطه انسان با هم نوع خود یا طبیعت است، می‌توانیم از سنت‌های اجتماعی، سراغ بگیریم. شهید صدر(ره) خود از سنت استخلاف به عنوان نمونه نام برده است.

انواع سنت‌های الهی

سنت‌های الهی از دیدگاه‌های متفاوت تقسیم بندی‌های متعددی پیدا می‌کنند. مبانی تقسیمات مختلف سنت‌ها به طور کلی عبارتند از:

تقسیم به اعتبار این که در جریان سنت، فعل بشر دخالت دارد یا خیر؟ به عبارت دیگر آیا رفتار بشر در جریان یا عدم جریان سنت، شرط است یا خیر؟ سنت‌های الهی از این منظر به دو دسته کلی فعلی (غیر مقید به نوع رفتار انسان یا جامعه) و مشروط (مقید به نوع رفتار انسان یا جامعه) تقسیم می‌شود.

عوالم مختلف، چون برخی سنت‌ها تنها در دنیا جاری می‌شوند و برخی فقط در آخرت و از این لحاظ می‌توانیم از تقسیم سنت‌ها به دنیوی و اخروی سخن بگوییم. سنت‌هایی نیز هستند که هم در دنیا و هم در آخرت وجود دارند که سنت‌های مشترک نام گذاری می‌شود. (مرحوم علامه طباطبایی(ره) سنت امحاق را جزء سنت‌های مشترک می‌داند)

سطوح مختلف (خرد و کلان)؛ پاره‌ای از سنت‌ها فردی و برخی اجتماعی هستند.

ساحت‌های مختلف؛ بر این اساس می‌توانیم از سنت‌های اقتصادی، فرهنگی و... سخن بگوییم. به این معنی که دامنه تأثیر یک سنت خاص عمدتاً متمرکز بر یک ساحت به خصوص از زندگی است.

سنت‌هایی که جریان آن‌ها باعث هدایت، موفقیت، کامیابی، برکت و پیروزی و نظایر آن است که در نتیجه به پیشرفت واقعی بشریت می‌انجامد. مانند سنت نصر، سنت برکت و... شناخت این دسته از سنت‌ها و شرایط جریان آن‌ها، برای استمداد از آن‌ها در راه کمال ضروری است و بدون چنین شناختی و در نتیجه فراهم آمدن شرایط، این سنت‌ها جاری نشده و پیشرفتی به دنبال نخواهد داشت. و سنت‌های الهی که تحقق آن‌ها منجر به گمراهی، نابودی تدریجی (سنت امحاق)، بی نتیجه شدن فعالیت‌ها (سنت احباط) و حرکت جامعه در مسیر گمراهی (سنت اضلال) است.

اینک نمونه‌هایی از اقسام گوناگون سنت‌های الهی را بررسی می‌کنیم:

حوزه‌های تأثیرگذاری مختلف سنت‌ها

زندگی انسان دارای ساحت‌های مختلف و متنوعی می‌باشد و چون همه حیطه‌های زندگی بشر به گونه‌ای به سعادت او مربوط می‌شود، ربوبیت الهی حکم می‌کند که در تمامی شؤون زندگی بشر قوانین سنت‌های الهی به منظور تربیت و هدایت او جریان داشته باشد.

به این منظور برخی از سنن الهی را در حوزه‌های مختلف ذکر می‌کنیم؛

الف) سنت‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین سنن الهی که نقش تربیتی مهمی برای انسان‌ها دارد سنت‌های است که بر میزان و کیفیت رزق انسان‌ها جریان دارد در ادامه به ذکر برخی از این سنن می‌پردازیم.

الف/۱) سنت برکت

در قرآن کریم برخی از آیات به این سنت اشاره می‌کند:

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ». (اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. سوره الأعراف (۷) آیه ۹۶)

برکات به معنای هر چیز کثیر از قبیل امنیت، آسایش، سلامتی، مال و اولاد است که همراه با دوام و ثبات باشد.

آیه شریفه برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد، باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود، البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گر نه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌گردد. (المیزان، ج ۸، ص ۲۵۴)

بارش به موقع باران و تعادل در فصول سال، باعث رونق کشاورزی شده و رونق کشاورزی به نوبه خود باعث رونق دامداری می‌شود و توسعه کشاورزی و دامداری رکن توسعه اقتصادی است.

ب) سنت‌های فرهنگی تربیتی

سنت‌های فرهنگی به آن دسته از سنت‌های الهی گفته می‌شود که وجه غالب آن مربوط به فرهنگ جامعه است. فرهنگ، نظام بینش و اندیشه یک جامعه و به تعبیری سیستم ترجیحات آن جامعه است که دارای نمودهای عینی در عرصه روش زندگی، آداب و رسوم، هنر و... است.

یکم) سنت هدایت

این هدایت، هم تکوینی است و هم تشریحی. سنت الهی بر این جاری است که هدایت را گسترش دهد و یکی از آن هدایت‌ها، هدایت خصوص انسان‌ها است به وسیله دین. (المیزان، ج ۳، ص ۴۷۴، قابل توجه است که مرحوم علامه طباطبایی (ره) در المیزان در مواضع متعددی دین را به روش زندگی اجتماعی معنا می‌کند و بنابر این هدایت به وسیله دین در وجهه عینی آن، روش زندگی اجتماعی را رقم خواهد زد که تعبیر دیگری از فرهنگ است)

موضوع هدایت یکی از مهم‌ترین موضوعات قرآنی است که شامل آیات فراوانی می‌شود که به عنوان نمونه به دو آیه اشاره می‌کنیم:

«مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِي وَ مَنْ يُضِلِّ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ». (سوره الأعراف (۷) آیه ۱۷۸، آن کس را که خدا هدایت کند، هدایت یافته (واقعی) اوست؛ و کسانی را که (بخاطر اعمالشان) گمراه سازد، زیانکاران (واقعی) آنها هستند!)

تعبیر به خسران اشاره است به فقدان شاخص‌های تعالی فرهنگی است که تنها با هدایت ربانی است که تربیت متناسب بشر محقق شده و ارتقا می‌یابد.

«وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ». (سوره النحل (۱۶) آیه ۳۶؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که: «خدای یکتا را بپرستید؛ و از طاغوت اجتناب کنید!» خداوند گروهی را هدایت کرد؛ و گروهی ضلالت و گمراهی دامانشان را گرفت؛ پس در روی زمین بگردید و ببینید عاقبت تکذیب‌کنندگان چگونه بود!) هدایت، هدف بعثت انبیا در طول تاریخ بشریت و در عرض نقاط مختلف کره زمین بوده است.

دوم) سنت اضلال

اراده گمراهی خداوند به فرد یا جامعه‌ای تعلق می‌گیرد که خود راه ضلالت یعنی معصیت را پیموده و پشیمان هم نمی‌شود (المیزان، ج ۱۲، ص ۴۸۵) و این سنت قطعی الهی است که در آیات فراوانی از جمله آیات زیر بدان اشاره شده است:

«فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِتْنَيْنِ وَ اللَّهُ أَوْكَسَهُمْ بِهِ مَا كَسَبُوا أَ تَرِيدُونَ أَنْ تَهْتَدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَ مَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا». (سوره النساء (۴) آیه ۸۸؛ چرا درباره منافقین دو

دسته شده‌اید؟! (بعضی جنگ با آنها را ممنوع، و بعضی مجاز می‌دانید.) در حالی که خداوند بخاطر اعمالشان، (افکار) آنها را کاملاً وارونه کرده است! آیا شما می‌خواهید کسانی را که خداوند (بر اثر اعمال زشتشان) گمراه کرده، هدایت کنید؟! در حالی که هر کس را خداوند گمراه کند، راهی برای او نخواهی یافت)

«وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ». (سوره الرعد (۱۳) آیه ۲۷؛ کسانی که کافر شدند می‌گویند: «چرا آیه (و معجزه) ای از پروردگارش بر او نازل نشده است؟!» بگو: «خداوند هر کس را بخواهد گمراه، و هر کس را که بازگردد، به سوی خودش هدایت می‌کند! (کمبودی در معجزه‌ها نیست؛ لجاجت آنها مانع است)

ج) سنت‌های نظامی

سنت نصر

این سنت یکی از مهم‌ترین سنت‌های الهی در عرصه حوزه‌های اقتدار ساز و از جمله مسایل نظامی می‌باشد که در قرآن ذکر شده است.

محمد: ۷ «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ».

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد.

غافر: ۵۱ «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ».

ما به یقین پیامبران خود و کسانی را که ایمان آورده‌اند، در زندگی دنیا و (در آخرت)

روزی که گواهان به پا می‌خیزند یاری می‌دهیم!

الروم: ۴۷ «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَتَتْهُمْ مِّنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ».

و پیش از تو پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم؛ آن‌ها با دلایل روشن به سراغ قوم خود رفتند، ولی (هنگامی که اندرزها سودی نداد) از مجرمان انتقام گرفتیم (و مؤمنان را یاری کردیم)؛ و یاری مؤمنان، همواره حقّی است بر عهده ما!

الروم: ۵ «بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ».

به سبب یاری خداوند؛ و او هر کس را بخواهد یاری می‌دهد؛ و او صاحب قدرت و رحیم است!

د) جریان سنت‌ها در عوالم مختلف (دنیا و عقبی)

برخی سنت‌ها شامل دنیا و آخرت هر دو می‌گردند در حالی که برخی دیگر تنها مربوط به دنیاست و برخی دیگر تنها در آخرت جریان می‌یابد:

یکی از سنت‌های که هم در دنیا و هم در آخرت جریان می‌یابد سنت اعطای پاداش است. قرآن کریم می‌فرماید:

«فَأَتَاهُمُ اللَّهُ تَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» [آل عمران:

۱۴۸] (از این رو خداوند پاداش این جهان، و پاداش نیک آن جهان را به آنها داد؛ و خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد)

که به پاداش خداوند در دنیا و آخرت اشاره می‌کند.

یکی دیگر از این قبیل سنن، سنت عذاب است:

«وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَنَّ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ» [بقره: ۱۱۴]

(کیست ستمکارتر از آن کس که از بردن نام خدا در مساجد او جلوگیری کرد و سعی در ویرانی آنها نمود؟! شایسته نیست آنان، جز با ترس و وحشت، وارد این (کانونهای عبادت) شوند. بهره آنها در دنیا (فقط) رسوایی است و در سرای دیگر، عذاب عظیم (الهی)!!)

آیه شریفه عذاب را شامل دنیا و آخرت هر دو می‌داند.

همین طور سنت احباط از دسته سننی است که در دو عالم جریان می‌یابد:

«أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ» [آل عمران: ۲۲]

آن‌ها کسانی هستند که اعمال (نیکشان، به خاطر این گناهان بزرگ)، در دنیا و آخرت تباہ شده، و یاور و مددکار (و شفاعت کننده‌ای) ندارند.

پس در آیه مورد بحث، هم به عذاب آخرت تهدید شده‌اند و هم به عذاب دنیا، عذاب آخرتشان عذاب آتش، و دنیایشان کشته شدن و آواره گشتن و از بین رفتن اموال و جان‌هایشان بود، و نیز عذاب دیگرشان این بود که خدا دشمنی را در بین آنان تا روز قیامت قرار داد، که خدای تعالی در کتاب عزیزش همه این‌ها را ذکر کرده است. (المیزان، ج ۳، ص ۱۹۳)

دسته دیگر سنت‌ها سننی است که تنها در دنیا محل جریان دارد، مانند سنت استدراج:

«وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ» [الأعراف: ۱۸۲]

و آن‌ها که آیات ما را تکذیب کردند، به تدریج از جایی که نمی‌دانند، گرفتار مجازاتشان خواهیم کرد.

در نهایت سنی وجود دارد که تنها در آخرت جریان می‌یابند، مانند سنت شفاعت:

«لَا يَفْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنْ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا» [مریم: ۸۷]

آنان هرگز مالک شفاعت نیستند؛ مگر کسی که نزد خداوند رحمان، عهد و پیمانی دارد. «يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَاعَةُ إِلَّا مَنْ أَذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا» [طه: ۱۰۹]

در آن روز، شفاعت هیچ کس سودی نمی‌بخشد، جز کسی که خداوند رحمان به او اجازه داده، و به گفتار او راضی است.

سطوح جریان سنت‌ها (خرد و کلان: فرد، اجتماع)

سنت فردی

در بحث سنت‌ها همان‌طور که قبلاً گفته شد عمومیت و فراگیری این قوانین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های سنت‌ها است. ممکن است به نظر بیاید که عمومیت و فراگیری با فردی بودن سنت‌ها نمی‌سازد در حالی که فراگیری یک امر، به فردی یا اجتماعی بودن آن ارتباطی ندارد. برای اثبات وجود سنن فردی به برخی روایات استناد می‌کنیم:

عِدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُنْدَبٍ عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمِطِ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ خَيْرٍ فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِتَقِيمَةٍ وَ يَذْكُرُهُ الْإِسْتِغْفَارَ وَ إِذَا أَرَادَ بَعْدَ شَرٍّ فَأَذْنَبَ ذَنْبًا أَتْبَعَهُ بِنِعْمَةٍ لِيُنْسِيَهُ الْإِسْتِغْفَارَ وَ يَتِمَّادِي بِهَا وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - سَتَسْتَدْرِجُهُمْ مِنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ بِالنَّعَمِ عِنْدَ الْمَعَاصِي. (الكافي ط) -
الإسلامية)، ج ۲، ص ۴۵۲ بَابُ الْإِسْتِدْرَاجِ)

حضرت صادق عليه السلام فرمود: همانا چون خداوند خوبی بنده‌ای را خواهد و آن بنده گناهی مرتکب شود خدا دنبالش او را کیفری دهد و استغفار را به یاد او اندازد، و چون

برای بنده‌ای بدی خواهد و او گناهی کند خدا دنبالش نعمتی به او دهد تا استغفار را از یاد او ببرد و به آن حال ادامه دهد، و این است گفتار خدای عز و جل «به تدریج و آهستگی آن‌ها را غافلگیر کنیم از راهی که ندانند» [اعراف: ۱۸۲] یعنی به سبب (دادن) نعمت هنگام (ارتکاب) گناهان.

همان‌طور که می‌بینیم معصوم علیه السلام در تبیین سنت استدراج تعبیر به عبد کرده‌اند که این تعبیر نشانگر جریان این سنت در عرصه فردی می‌باشد زیرا همان‌طور که سابقاً گذشت برای اشاره به وجه اجتماعی از تعابیری مانند قوم، امت، ناس، قریه و... استفاده می‌گردد البته در این موضوع روایات دیگری نیز وجود دارد. (الکافی ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۴۵۲ بابُ الاستِدْرَاجِ)

سنت اجتماعی

در قرآن کریم آیاتی وجود دارد که نشان دهنده آن دسته سنت‌های الهی می‌باشد که در مقیاس اجتماعی جریان می‌یابد. مانند:

«وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ»

[الأعراف: ۹۴]

و ما در هیچ شهر و آبادی پیامبری نفرستادیم مگر اینکه اهل آن را به ناراحتیها و خسارتها گرفتار ساختیم شاید (به خود آیند، و به سوی خدا) بازگردند و تضرع کنند.

«ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ آبَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ

بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ» [الأعراف: ۹۵]

سپس (هنگامی که این هشدارها در آنان اثر نگذاشت)، نیکی (و فراوانی نعمت و رفاه) را به جای بدی (و ناراحتی و گرفتاری) قرار دادیم آن چنان که فزونی گرفتند، (و همه‌گونه نعمت و برکت یافتند، و مغرور شدند، و گفتند: «تنها ما نبودیم که گرفتار این

مشکلات شدید) به پدران ما نیز ناراحتیهای جسمی و مالی رسید.» چون چنین شد، آنها را ناگهان (به سبب اعمالشان) گرفتیم (و مجازات کردیم)، در حالی که نمی‌فهمیدند.

«وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» [الأعراف: ۹۶] (و اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم)

علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌فرماید: جمله «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا...» دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آنها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند. در صورتی که ایمان و تقوای جمعی محقق گردد باران و برف هر کدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده، و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود، و گر نه این مجرا بسته شده و جریانش قطع می‌گردد. (المیزان، ج ۸، ص ۲۵۴)

بنا بر آنچه گذشت معلوم می‌گردد متعلق جریان این سنت الهی وجود شرایط خاصی در جوامع است، زیرا با توجه به اینکه در این آیه لفظ قری جمع است و همراه با "الف و لام" آمده است و از لحاظ ادبیات عربی، جمع همراه با "الف و لام" معنای عمومیت می‌دهد، اشاره دارد به اینکه این سنت اجتماعی است.

غیر از این آیه مذکور آیات دیگری وجود دارد که باز هم وجه اجتماعی را مد نظر می‌دارد:

«فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِم أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ» [انعام: ۴۴]. (آری،) هنگامی که (اندرزها سودی نبخشید، و) آنچه را

به آنها یادآوری شده بود فراموش کردند، درهای همه چیز (از نعمتها) را به روی آنها گشودیم؛ تا (کاملاً) خوشحال شدند (و دل به آن بستند)؛ ناگهان آنها را گرفتیم (و سخت مجازات کردیم)؛ در این هنگام، همگی مأیوس شدند؛ (و درهای امید به روی آنها بسته شد))

«فَقَطَعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» [انعام: ۴۵]. (و به این ترتیب، دنباله (زندگی) جمعیتی که ستم کرده بودند، قطع شد. و ستایش مخصوص خداوند، پروردگار جهانیان است)

در آیات قبل، سخن از جوامع و امت‌های پیشین است که با فرستادن رسولان الهی و سختی‌ها آزمایش شدند. لقد ارسلنا الي امم من قبلک.

در ذیل این آیات چنین آمده است: «وقتی کفار فراموش کردند تذکراتی را که به آن‌ها داده شد، و یا اگر هم یادشان بود از آن اعراض نمودند، ما آنان را استدراج کردیم یعنی از هر نعمتی به آنان دادیم و تمتع از لذائذ مادی را برایشان تکمیل نمودیم، و در نتیجه فرح و سرور که از آثار تکمیل نعمت است، در دلشان پدید آمد که ناگاه در حالی که دیگر عذری نداشتند هلاکت و نابودی همه ایل و تبارشان را فرا گرفت، و از آنان عین و اثری را باقی نگذاشت یا از آنان احدی نجات نیافت». (المیزان، ج ۷، ص ۱۳)

در این جا همان طور که دیدیم سنت استدراج وجه اجتماعی خود را نشان می‌دهد و لذا می‌گوییم برخی از سنن غیر از حیث فردی دارای حیث اجتماعی هم هستند.

«وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَوْمٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا آخَرِينَ» [انبیاء: ۱۱] (چه بسیار

آبادی‌های ستمگری را در هم شکستیم؛ و بعد از آنها، قوم دیگری روی کار آوردیم!)

در این آیه هم بحث نزول عذاب به شکل اجتماعی و عمومی بیان شده است که این عذاب الهی در اثر ظلم و ستم اجتماعی و فرا گیر، دامن گیر آن‌ها شده است.

ویژگی‌های سنت‌های الهی

الف) عام وجهان شمول بودن سنت‌های الهی

سنت‌ها و قوانین حاکم بر حوادث جهان به شکل روابط علی و معلولی است که بر جریان‌های عالم، حاکمیت دارد. از این رو به یک منطقه قوم و یا ملت خاص اختصاص ندارد و از عمومیت بر خوردار می‌باشد؛ زیرا زمانی که روابط به صورت علی و معلولی در آمد، در صورت تحقق علل، معلولات آن نیز تحقق خواهند یافت و استثنا بردار نخواهد بود، چنان که آیات فراوانی بر این امر دلالت می‌نمایند، مانند:

«سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» [الأحزاب: ۶۲]

این سنت خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت!

«وَلَقَدْ كُذِّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَيَّ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ

لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ» [الأنعام: ۳۴]

پیش از تو نیز پیامبرانی تکذیب شدند؛ و در برابر تکذیب‌ها، صبر و استقامت کردند؛ و (در این راه)، آزار دیدند، تا هنگامی که یاری ما به آن‌ها رسید. (تو نیز چنین باش! و این، یکی از سنت‌های الهی است؛) و هیچ چیز نمی‌تواند سنن خدا را تغییر دهد؛ و اخبار پیامبران به تو رسیده است.

«سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا» [الإسراء: ۷۷]

این سنت (ما در مورد) پیامبرانی است که پیش از تو فرستادیم؛ و هرگز برای سنت ما

تغییر و دگرگونی نخواهی یافت!

«وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ الرِّبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ

أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ» [المائدة: ۶۶]

و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان بر آنها نازل شده [= قرآن] برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آنها، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیش ترشان اعمال بدی انجام می‌دهند.

ب) استمرار و ثبات سنن الهی

سنن الهی دارای ثبات می‌باشد؛ زیرا سنت چیزی جز یک رابطه علی و معلولی نیست و همان‌گونه که در تعریف سنت بیان شد به فعلی که از استمرار بر خوردار نباشد، سنت اطلاق نمی‌گردد؛ در حقیقت تنها رفتارهای الهی که به صورت قانون (مطلق یا مقید) با تحقق موضوع جریان می‌یابد، سنت نامیده می‌شود.

در واقع سنت‌های الهی از آن جهت که به صورت رابطه‌ای علی و معلولی و قوانین ثابت تاریخی در آمده‌اند با پیدایش موجبات خود، آثار و لوازم خود را به دنبال می‌آورد که این رابطه سبب و مسببی دائمی است چنان که قرآن کریم در ارتباط با تکرار عذاب‌های مختلف به واسطه ظلم و گناه امم سابق و یا جریان برخی از این سنن، این امر را گوشزد می‌کند:

«سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» [الأحزاب: ۶۲] (این سنت

خداوند در اقوام پیشین است، و برای سنت الهی هیچ گونه تغییر نخواهی یافت!)

«فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ

الْكَافِرُونَ» [غافر: ۸۵] (اما هنگامی که عذاب ما را مشاهده کردند، ایمانشان برای آنها

سودی نداشت! این سنت خداوند است که همواره در میان بندگان اجرا شده، و آنجا کافران زیانکار شدند!)

«مَا كَانَ عَلَي النَّبِيِّ مِنْ حَرْجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا» [الأحزاب: ۳۸] (هیچ گونه منعی بر پیامبر در آنچه خدا بر او واجب کرده نیست؛ این سنت الهی در مورد کسانی که پیش از این بوده‌اند نیز جاری بوده؛ و فرمان خدا روی حساب و برنامه دقیقی است!)

«كَذَلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لَتَتْلُو عَلَيْهِنَّ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِرَحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابِ» [الرعد: ۳۰]

همان گونه (که پیامبران پیشین را مبعوث کردیم)، تو را به میان امتی فرستادیم که پیش از آن‌ها امت‌های دیگری آمدند و رفتند، تا آنچه را به تو وحی نموده‌ایم بر آنان بخوانی، در حالی که به رحمان [= خداوندی که رحمتش همگان را فراگرفته] کفر می‌ورزند؛ بگو: «او پروردگار من است! معبودی جز او نیست! بر او توکل کردم؛ و بازگشتم به سوی اوست!»

«أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى يَثُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ آمَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصْرَ اللَّهِ قَرِيبٌ» [البقرة: ۲۱۴]

آیا گمان کردید داخل بهشت می‌شوید، بی آنکه حوادثی همچون حوادث گذشتگان به شما برسد؟! همانان که گرفتاری‌ها و ناراحتی‌ها به آن‌ها رسید، و آن چنان ناراحت شدند که پیامبر و افرادی که ایمان آورده بودند گفتند: «پس یاری خدا کی خواهد آمد!؟» (در این هنگام، تقاضای یاری از او کردند، و به آن‌ها گفته شد: آگاه باشید، یاری خدا نزدیک است!)

«فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِهِمْ قُلْ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ» [یونس: ۱۰۲]

آیا آن‌ها (چیزی) جز همانند روزهای پیشینیان (و بلاها و مجازات‌هایشان) را انتظار

می‌کشند؟! بگو: «شما انتظار بکشید، من نیز با شما انتظار می‌کشم!»

«وَقَيِّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُّوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمَمٍ قَدْ

خَلَّتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ» [فصلت: ۲۵]

ما برای آن‌ها هم‌نشینی (زشت‌سیرت) قرار دادیم که زشتی‌ها را از پیش رو و پشت سر آن‌ها در نظرشان جلوه دادند؛ و فرمان الهی درباره آنان تحقق یافت و به سرنوشت اقوام گمراهی از جن و انس که قبل از آن‌ها بودند گرفتار شدند؛ آن‌ها مسلماً زیانکار بودند!

ج) حتمی بودن سنن الهی

از جمله ویژگی‌های سنن الهی حتمی و قطعی بودن آن می‌باشد، یعنی در صورت تحقق تمام شروط و رفع موانع این سنن تحقق خواهند یافت، البته این امر با توجه به تحت قانون علیت بودن سنت‌های عالم امری روشن است. سنت‌های الهی، تجلی اراده ربوبی در عالم هستند و اراده الهی بی‌کم و کاست و حتماً محقق شدنی است. («إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». سوره یس (۳۶)، آیه ۸۲) حتمی بودن جریان سنن الهی از مسایلی است که قرآن به صراحت آن را بیان نموده است:

«وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ» [الأعراف: ۳۴]

برای هر قوم و جمعیتی، زمان و سرآمد (معینی) است؛ و هنگامی که سرآمد آن‌ها فرا رسد، نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنند، و نه بر آن پیشی می‌گیرند.

با اینکه تحقق سنن الهی حتمی است ولی مشاهده می‌شود که در پاره از موارد در سنت‌های مقید، جریان نیافته است. برای نمونه گاهی امتی به واسطه گناه مستحق عذاب می‌گردد، ولی عذابی بر آن‌ها نازل نمی‌گردد و به واسطه دلایلی مورد عفو قرار می‌گیرند و

یا حتی به دنبال گناه از نعمت بر خوردار می‌گردند؛ این امر به معنای تخلف‌پذیری سنن الهی نیست بلکه در چنین مواردی گر چه مقتضی و شرایط موجود است لیکن مانع نیز وجود دارد و روشن است که طبق قانون علیت در صورت ناقص بودن اجزا و شرایط علت تامه، معلول تحقق نمی‌یابد.

از موانعی که به صورت سنت الهی مطرح است سنت عفو خداوند است که با جریان این سنت جریان سنت عذاب با مانع روبرو می‌شود و در واقع در صورت توبه گناه‌کاران سنت عفو الهی بر سنت عذاب حاکم شده و عذاب جریان پیدا نمی‌کند.

همچنین سنت استدراج و افزایش نعمت زمینه سرکشی و در نتیجه عذاب مضاعف قومی را فراهم می‌کند که از ابتدا، شایسته عذاب بودند. سنت دیگر، امهال است که موجب مهلت دادن به کسانی می‌شود که مستحق عقابند.

د) تبدیل ناپذیری

وصف دیگری که در مورد سنت‌ها از آیات استفاده می‌شود تبدیل ناپذیری سنن الهی است. علامه طباطبایی در رابطه با تبدیل می‌فرماید: «تبدیل سنت به این معناست که عافیت و نعمت را جای عذاب قرار دهد». (آیت الله عبد الله جوادی آملی، شناخت‌شناسی در قرآن، ص ۴۰۶)

از این رو تبدیل ناپذیری سنت‌های الهی از دیگر ویژگی‌های سنن الهی به شمار می‌رود که در قرآن چنین آمده است:

«اسْتِكْبَارًا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ ۚ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ ۗ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» [فاطر: ۴۳]

این‌ها همه به خاطر استکبار در زمین و نیرنگ‌های بدشان بود؛ اما این نیرنگ‌ها تنها دامان صاحبانش را می‌گیرد؛ آیا آن‌ها چیزی جز سنت پیشینیان و (عذاب‌های دردناک

آنان) را انتظار دارند؟! هرگز برای سنت خدا تبدیل نخواهی یافت، و هرگز برای سنت الهی تغییری نمی‌یابی!

«سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا» [الفتح: ۲۳]

این سنت الهی است که در گذشته نیز بوده است؛ و هرگز برای سنت الهی تغییر و تبدیلی نخواهی یافت!

علامه در توضیح این آیه می‌فرماید:

اگر انبیاء و مؤمنین به انبیاء را در صورتی که در ایمان خود صادق و در نیاتشان خالص باشند، خداوند آن‌ها را بر دشمنانشان غلبه می‌دهد و این سنت خداوند هیچ‌گاه تبدیلی نخواهد داشت. هم‌چنان که در جای دیگر فرموده «كَتَبَ اللَّهُ لَأَعْلَبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي» و البته آن دسته از ناکامی‌ها که مسلمانان در جنگ‌های خود دیدند به خاطر برخی مخالفت‌ها با خدا و رسولش بوده است. (المیزان، ج ۱۸، ص ۴۲۹)

خداوند سبحان در قرآن کریم تغییر ناپذیری سنت‌های خویش را تحت عنوان واژه کلمه بیان نموده است گرچه مفسران آن را به تقدیر و مشیت الهی تفسیر نموده‌اند لیکن یکی از مقدرات الهی که خداوند برای حفظ نظام هستی مقرر نموده است همین رابطه سنخیت بین علت و معلول است.

علامه در توضیح کلمه می‌فرماید:

«کلمه در لغت و در ادبیات عبارت است از آنچه بر معنای تام و یا ناقص دلالت می‌کند؛ ولی خداوند در قرآن کلمه را در کلام حقی که از ناحیه خودش به عنوان قضا و مشیت بیان شده است و یا وعده‌ای که از ناحیه خداوند داده شده است به کار برده است.» (المیزان، ج ۷، ص ۳۳۹)

در این رابطه قرآن می‌فرماید:

«وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ» [الصافات: ۱۷۱]

وعده قطعی ما برای بندگان فرستاده ما از پیش مسلم شده...

«نَهُم لَّهُمُ الْمَنْصُورُونَ» [الصافات: ۱۷۲]

که آنان یاری شدگانند.

«الَّذِينَ آمَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ» [یونس: ۶۳]

همان‌ها که ایمان آوردند، و (از مخالفت فرمان خدا) پرهیز می‌کردند.

«لَهُمُ الْبُشْرَى فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ»

[یونس: ۶۴]

در زندگی دنیا و در آخرت، شاد (و مسرور) ند؛ وعده‌های الهی تخلف ناپذیر است! این

است آن رستگاری بزرگ!

«وَإِذْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُتْتَحِدًا»

[الکهف: ۲۷]

آنچه را از کتاب پروردگارت به تو وحی شده تلاوت کن! هیچ چیز سخنان او را

دگرگون نمی‌سازد؛ و هرگز پناهگاهی جز او نمی‌یابی!

ه) تحویل ناپذیری

از ویژگی‌های دیگر سنت‌های الهی تحویل ناپذیری آن‌ها می‌باشد؛ مفسران در

توضیح معنای تحویل با توجه به ریشه لغوی معنایی را غیر از معنای تبدیل قائل شده‌اند.

چنان که ملاحظه گردید خداوند در آیه چهل و سه سوره فاطر («اَسْتَكْبَارًا فِي الْأَرْضِ

وَمَكْرُ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ

اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا» سوره فاطر (۳۵) آیه ۴۳ در بیان اوصاف سنن الهی، عدم تحویل و تبدیل را ذکر نموده است. تبدیل به معنای جایگزین نمودن چیزی در جای دیگری می‌باشد و تحویل به معنای قرار دادن شی در غیر جای واقعی، در غیر مکانی که باید قرار گیرد می‌باشد؛ (مجمع البیان، ج ۸، ص ۶۴۵) به این معنا که هنگام تطبیق بر مورد خود کار به صورت صحیح انجام نپذیرد. (شناخت شناسی در قرآن، ص ۴۱۶) علامه نیز همین معنا را قبول کرده است و می‌فرماید:

تحویل به این معنا است که عذاب از قومی که مستحق آن می‌باشد به قوم دیگری منتقل گردد، حال اینکه سنت الهی تحویل ناپذیر است، زیرا اعمال خداوند سبحان چون بر طریقه مستقیم و حق می‌باشد؛ حکمش تبعیض و استثنا بردار نیست. (همان، ج ۱۷، ص ۵۸). (در تدوین بحث ویژگی‌های سنت‌های الهی بیشتر از این منابع استفاده کرده‌ایم: سنت‌های الهی اجتماعی در قرآن، احمد مراد خانی و سنت‌های اجتماعی در قرآن کریم، احمد حامد مقدم)

نتیجه‌گیری

بنا بر آنچه در این مختصر آمد تعریف منتخب ما از سنت‌های الهی چنین شد: «سنت‌های الهی عبارت است از جریان ظهور و تجلی اسماء و صفات فعل الهی در عالم که با ضوابط و حدود و شروط خاصی صورت می‌گیرد.»

البته برگزیدگی این تعریف به معنای نادرست بودن دیگر تفاسیر ارائه شده از جانب اندیشمندان نیست؛ چرا که اولاً: برخی از تعاریف پیش گفته موافق این تعریف هستند؛ مانند تعریف آیت الله مصباح و برخی دیگر که سنت را ضابطه فعل خداوند می‌دانند. و ثانیاً: تعریف‌های متفاوت سنت‌ها بدین سبب است که هر یک از زاویه‌ای به سنت نگریسته‌اند. البته این تعریف حداقل از این جهت که قانون تعریف این است که تعریف به

شناخت ماهیت و حقیقت پدیده یا فرآیند بینجامد و تعریف به آثار و خصوصیات و یا غایات یک پدیده، خارج از ماهیت آن است؛ بر دیگر تعاریف اولویت دارد. اما هدف سنن الهی عبودیت است غایتی که خلقت بشر بدان جهت صورت گرفت.

در منطق استخراج سنت‌ها به این موارد دست یافتیم؛ الف) استعمال فعل مضارع در استناد فعل به خداوند؛ ب) صیغه مبالغه؛ ج) ساختارهای کلامی و الفاظی که دلالت بر عمومیت دارند؛ د) الفاظی مانند «ماکان»، «لم یکن» و... و پس از آن در مورد حوزه‌های مختلف سنت‌ها به این حوزه‌ها رسیدیم: الف) سنت‌های اقتصادی؛ ب) سنت‌های فرهنگی تربیتی؛ ج) سنت‌های نظامی و دریافتیم که سنن الهی در سطح فردی و اجتماعی جریان می‌یابند.

در پایان با بررسی ویژگی سنت‌های الهی به این ویژگی‌ها رسیدیم: الف) عام و جهان و شمول بودن سنت‌های الهی؛ ب) استمرار و ثبات سنن الهی؛ ج) حتمی بودن سنن الهی؛ د) تبدیل ناپذیری؛ ه) تحویل ناپذیری

فهرست منابع

- قرآن کریم
۱. ابن منظور، لسان العرب.
 ۲. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان (شرح زیارت جامعه کبیره).
 ۳. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم.
 ۴. جوادی آملی، عبدالله، شناخت شناسی در قرآن.
 ۵. الراغب الاصفهانی، معجم مفردات الفاظ القرآن.
 ۶. سبزواری، ملا هادی، شرح الاسماء الحسنی.
 ۷. الصدر، شهید سید محمدباقر، المدرسه القرآنیه.
 ۸. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، سال ۱۳۹۳، نرم افزار جامع التفاسیر نور.
 ۹. الطبرسی، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن.
 ۱۰. طیبیان، سید حمید، فرهنگ لاروس (فرهنگ عربی به فارسی).
 ۱۱. علامه طباطبائی (ره)، الرسائل التوحیدیه.
 ۱۲. الفیومی، احمد بن محمد بن علی، المصباح المنیر.
 ۱۳. قلجی، محمد، معجم لغة الفقهاء.
 ۱۴. کلینی، اصول الکافی (ط - الإسلامیة).
 ۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی، جامعه و تاریخ از دیدگاه قرآن.
 ۱۶. المصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم.
 ۱۷. مطهری، مرتضی، عدل الهی.
 ۱۸. موسوی همدانی، سید محمد باقر، تفسیر المیزان.